

**دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانش‌آموختگان  
مقطع کارشناسی حسابداری  
دیدگاه استادان دانشگاه، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری  
(بررسی موردی: استان آذربایجان غربی)**

دکتر ویدا مجتهدزاده \*

دکتر سید حسین علوی طبری \*\*

فاطمه مرادی پر \*\*\*

تاریخ پذیرش: ۸۹/۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۱/۱۰

### چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی اهمیت و کفایت دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانش‌آموختگان رشته حسابداری و اهمیت آن از دیدگاه استادان دانشگاه، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری است. برای تحقق بخشیدن به اهداف تحقیق سه فرضیه مطرح، و اطلاعات لازم با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شد. نتایج آزمون فرضیه‌های اول و دوم با استفاده از آنالیز واریانس یکطرفه در سطح معنی‌داری ۰/۰۵، نشان می‌دهد که بین دیدگاه‌های سه گروه در خصوص اهمیت برخی از دانش و مهارت‌های مطرح شده و نیز کفایت ارائه آنها توسط برنامه‌های کنونی آموزش

---

\* دانشیار دانشگاه الزهرا «س»

\*\* استادیار دانشگاه الزهرا «س»

\*\*\* کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه الزهرا «س»

حسابداری، تفاوت معنی‌دار وجود دارد. نتایج آزمون فرضیه سوم با به کارگیری روش تحلیل عاملی، بیانگر برتری آموزش مهارت‌های تجاری / مدیریتی در برنامه آموزشی است.

**واژه‌های کلیدی:** آموزش حسابداری، دانش و مهارت‌های مورد نیاز، مهارت‌های تجاری / مدیریتی.

### مقدمه

با توجه به تغییرات محیط تجاری از جمله پیشرفت سریع فناوری و جهانی شدن بازارها، نقش حسابداران کنونی از تهیه اطلاعات مالی به تهیه و تفسیر اطلاعات گوناگون اعم از مالی و غیرمالی برای استفاده کنندگان درون سازمانی و برون سازمانی تغییر یافته است (ساندم<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲؛ ویلیامز<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴؛ آلبرچت و سک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۰). چنین تغییراتی در محیط تجاری، ایجاب می‌کند که دانش آموختگان رشته حسابداری از دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای پاسخگویی به انتظارات در حال تغییر جامعه تجاری برخوردار باشند. در سال‌های اخیر به منظور تربیت حسابدارانی که پاسخگوی نیازهای جامعه باشند، مطالعات چندی انجام شده است. هدف این مطالعات، بررسی ضرورت و اهمیت اصلاح و بازسازی برنامه آموزش حسابداری است (آلبرچت و سک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰؛ چابرو و هیبی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱؛ فوریستال<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲؛ بویسی<sup>۷</sup>، ۱۹۹۹).

در این تحقیق دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانش‌آموختگان رشته حسابداری و اهمیت آنها از دید استادان دانشگاه، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### پیشینه تحقیق

جاکوبز<sup>۷</sup> (۲۰۰۵) اعتقاد دارد برای پرکردن شکاف بین نظریه و عمل در حسابداری مدیریت باید از روشهای آموزشی جدید مثل بررسیهای موردی استفاده کرد و مهارت‌های خاصی از جمله کنترل و ارزیابی کارایی، به کارگیری فناوری اطلاعات، طراحی و

نگهداری سیستم‌های مدیریت و توانایی مدیریت تغییر (توانایی ایجاد تغییر و تحول) را به دانشجویان آموزش داد.

لین<sup>۸</sup> و همکاران (۲۰۰۵) با بررسی نظر شاغلان در حرفه، استادان دانشگاه و دانشجویان، به منظور تعیین دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانش‌آموختگان رشته حسابداری بیان کردند که موقعیت کنونی آموزش حسابداری در چین برای ایجاد دانش و مهارت‌های مورد نیاز راضی‌کننده نیست. پاسخ‌دهندگان از ارائه دانش و مهارت‌های مورد نیاز توسط برنامه‌های کنونی آموزش حسابداری، رضایت نداشتند. به عنوان نتیجه لین و همکاران بیان کردند که اصلاح برنامه آموزش حسابداری، نه تنها ضروری بلکه الزام‌آور است.

راگوتامن، لاوین و دیویس<sup>۹</sup> (۲۰۰۷) با مطالعه نظر شاغلان در حرفه و استادان دانشگاه درباره دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانش‌آموختگان رشته حسابداری بیان کردند که دانش‌آموختگان حسابداری به منظور موفقیت در تجارت الکترونیکی به دانش عمومی، فناوری، دانش سازمانی و دانش تجاری نیاز دارند. از نظر شاغلان در حرفه، مهارت‌های ذهنی و از نظر استادان دانشگاه، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های بین‌فردی، دانش حسابداری و توانایی رهبری از اولویت برخوردار بودند.

لین (۲۰۰۸) با ادامه بررسی قبلی خود بیان کرد که در محیط تجاری کنونی چین، اهمیت دانش و مهارت‌های کسب و کار از دیگر مهارت‌ها بالاتر است.

بلیزی<sup>۱۰</sup> و همکاران (۲۰۰۸) دیدگاه‌های شاغلان در حرفه، استادان دانشگاه و دانش‌آموختگان رشته حسابداری را به منظور تعیین مهارت‌های اساسی برای دانش‌آموختگان این رشته مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که به رغم تأکید بر اهمیت مهارت‌های ذکر شده توسط سه گروه، بین دیدگاه‌های آنان تفاوت‌هایی وجود دارد. شاغلان در حرفه بر داشتن مهارت‌های فکری و بین‌فردی، دانش‌آموختگان رشته حسابداری بر داشتن مهارت‌های ارتباطی و بین‌فردی و استادان دانشگاه بر داشتن مهارت‌های فکری، خودمدیریتی، ارتباطی و بین‌فردی تأکید فراوان داشتند.

پایسی<sup>۱۱</sup> (۲۰۰۹) نقش دوره کارآموزی را در توسعه مهارت‌های دانشجویان حسابداری مورد بررسی قرار داد. وی با مقایسه دیدگاه‌های دانشجویان شرکت کننده در دوره کارآموزی و دانشجویانی که در این دوره شرکت نکرده بودند، بیان کرد که دوره کارآموزی ابزار آموزشی سودمندی در ایجاد مهارت‌های انتقال‌پذیر در دانشجویان است. بنابراین گنجاندن دوره کارآموزی در برنامه درسی دانشگاهی حسابداری می‌تواند سودمند باشد. همچنین معایب و محاسن دوره کارآموزی از دیدگاه دانشجویان و شاغلان در حرفه نیز مورد بررسی قرار گرفت.

مجتهدزاده (۱۳۸۰) با بررسی دیدگاه‌های شاغلان در حرفه حسابداری در رابطه با مفاد برنامه مصوب آموزش حسابداری در مقطع کارشناسی در دانشگاه‌های ایران، مواردی را به شرح زیر بیان کرد:

۱) برنامه آموزش حسابداری باید تأکید مساوی بر سه بخش دانش عمومی، دانش تخصصی و دانش حسابداری داشته باشد.

۲) دانش عمومی باید بر علوم ارتباطات، ریاضی، علوم اجتماعی و علوم انسانی تأکید کند و به مطالب مربوط به علوم طبیعی کمتر پردازد.

۳) آموزش کاربرد رایانه از دروس تخصصی حسابداری باشد.

۴) درس کارآموزی در میان دروس تخصصی گنجانده شود.

نوروش (۱۳۸۲) به بررسی فرایند تغییر برنامه درسی و پیشنهاد یک برنامه درسی نوسازی شده برای دوره کارشناسی رشته حسابداری پرداخت. وی عناصر اصلی فرایند تغییر برنامه درسی یعنی تشخیص نیاز برای تغییر، مشخص کردن تغییرات مورد نیاز، طراحی برنامه، کسب پذیرش عمومی، اجرای برنامه و سنجش نتایج را مورد تحلیل قرار داد و بیان کرد که برای پاسخگویی به نیازهای محیط در حال تغییر در برنامه درسی دانشگاهی باید تغییراتی لحاظ، و برنامه نوسازی شود.

تحقیقات دیگری هم در زمینه برنامه آموزش حسابداری در ایران انجام شده است. نتایج این تحقیقات نیز بیانگر لزوم بازنگری برنامه فعلی آموزش حسابداری است.

## روش تحقیق

این تحقیق از نوع پیمایشی-کاربردی است. ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه و جامعه آماری شامل استادان دانشگاه، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری می‌باشد. قلمرو مکانی تحقیق سطح استان آذربایجان غربی و قلمرو زمانی آن دوره ۱۳۸۷-۱۳۸۸ است. شاغلان در حرفه دربرگیرنده افراد شاغل در حرفه حسابداری در تمامی بخشهای استان و استادان و دانشجویان حسابداری به ترتیب شامل اعضای هیئت علمی گروه حسابداری و دانشجویان سال آخر مقطع کارشناسی حسابداری دانشگاه‌های دولتی استان است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار SPSS استفاده شده است. تحلیل فرضیه‌های اول و دوم با به کارگیری روش آنالیز واریانس یکطرفه و آزمون t و فرضیه سوم با استفاده از روش تحلیل عاملی<sup>۱۲</sup> آزمون شد.

## جمع‌آوری اطلاعات

اطلاعات لازم برای تحقیق از طریق پرسشنامه متشکل از سه قسمت: نامه ضمیمه، اطلاعات جمعیت‌شناسی و سؤالات مربوط به تحقیق جمع‌آوری شد. در نامه ضمیمه، ماهیت و هدف تحقیق، در بخش اطلاعات جمعیت‌شناسی سه سؤال در مورد آخرین مدرک تحصیلی، موقعیت و تجربه شغلی فعلی آزمودنیها و در بخش آخر، سؤالاتی مرتبط با مجموعه‌ای از دانش و مهارتهای مورد نیاز برای دانش‌آموختگان رشته حسابداری مطرح شد که نتیجه بررسی ادبیات مربوط از جمله مقالات آلبرجت و سک (۲۰۰۰)، لین و همکاران (۲۰۰۵) و لین (۲۰۰۸) است. برای هر یک از دانش و مهارتهای مورد نیاز دو سؤال در بخشهای «الف» (در خصوص اهمیت) و «ب» (در رابطه با کفایت) بر اساس مقیاس لیکرت ۵ تایی (۱ بیانگر بی‌اهمیت و ۵ بیانگر با اهمیت زیاد) مطرح شد. پرسشنامه مقدماتی پس از تهیه به منظور تعیین توان اطمینان (روایی) بین تعدادی از استادان دانشگاه توزیع، و به صورت مقدماتی اجرا شد؛ اما در مدت زمان تعیین شده

پیشنهادی در مورد نامربوط بودن سؤالات دریافت نشد. در مورد امکان اعتماد (پایایی) نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای محاسبه شده با نرم افزار SPSS معادل ۰/۹۲ بود که می‌توان امکان پایایی پرسشنامه را استنتاج کرد.

از تعداد ۲۱۸ پرسشنامه توزیع شده بین استادان دانشگاه، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری که همه برگشت، ۴۷ مورد قابل استفاده نبود. در نهایت ۱۷۱ پرسشنامه (به ترتیب ۱۲ درصد متعلق به استادان دانشگاه، ۴۷ درصد شاغلان در حرفه و ۴۱ درصد دانشجویان حسابداری) به شرح جدول شماره ۱ مورد استفاده قرار گرفت.

جدول شماره ۱: نتایج آماری پرسشنامه‌ها

گروه پاسخ دهنده	تعداد پرسشنامه‌های توزیع شده	تعداد پرسشنامه‌های غیر قابل استفاده	تعداد پرسشنامه‌های قابل استفاده	درصد
اساتید دانشگاه	۲۰	۰	۲۰	۱۲
شاغل در حرفه	۱۰۰	۱۹	۸۱	۴۷
دانشجو	۹۸	۲۸	۷۰	۴۱
جمع	۲۱۸	۴۷	۱۷۱	۱۰۰

### فرضیه‌های تحقیق

با مطالعه ادبیات فرضیه‌های زیر طراحی شد:

(۱) بین دیدگاه‌های استادان دانشگاه، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری در خصوص اهمیت دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی حسابداری، تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

(۲) بین دیدگاه‌های استادان دانشگاه، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری در خصوص کفایت ارائه دانش و مهارت‌های مورد نیاز توسط برنامه کنونی آموزش حسابداری، تفاوت‌های معنی‌دار وجود دارد.

۳) از دیدگاه استادان دانشگاه، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری در محیط کسب و کار کنونی ایران اولویت برتر برنامه آموزش حسابداری، آموزش مهارتهای تجاری/ مدیریتی به دانشجویان حسابداری است.

### نتایج آزمون فرضیه‌های تحقیق

#### نتایج آزمون فرضیه اول

به منظور آزمون فرضیه اول تحقیق از آنالیز واریانس یکطرفه استفاده شد. نتایج این آزمون (جدول شماره ۲) نشان می‌دهد که بین دیدگاه‌های سه گروه پاسخ دهنده در خصوص اهمیت دانش تجزیه و تحلیل صورتهای مالی، آشنایی با سیستمهای اطلاعاتی، دانش حسابداری مدیریت، آشنایی با قانون تجارت، اطلاع از مقررات رفتار حرفه‌ای، آشنایی با راهبردهای تجاری و توانایی مدیریت منابع سازمان در سطح اطمینان ۹۵٪ و در خصوص اهمیت دانش حسابداری مالی، توانایی تحلیل انتقادی و آشنایی با قوانین مالیاتی در سطح اطمینان ۹۹٪ تفاوت‌های معنی‌دار وجود دارد. در نتیجه فرضیه اول در مورد ده دانش و مهارت تأیید شد و در مورد ۲۴ دانش و مهارت تأیید نشد.

از دیدگاه هر سه گروه پاسخ دهنده، در جامعه کسب و کار کنونی ایران مهارت کار با رایانه برای دانش‌آموختگان رشته حسابداری از اولویت اول برخوردار است. نتایج نشان می‌دهد که پنج دانش و مهارت با اولویت بالاتر از دیدگاه مجموع پاسخ دهندگان به ترتیب: مهارت کار با رایانه، آشنایی با تجارت جهانی، توانایی تصمیم‌گیری، دانش حسابداری مالی و دانش تجزیه و تحلیل صورتهای مالی است.

جدول شماره ۲: آماره‌های آزمون فرضیه اول

P-value	F-value	مجموع کل		دانش و مهارت
		میانگین	اولویت	
۰.۱۳۸	۲.۰۰۲	۴.۴۹۷	۱	مهارت کار با رایانه
۰.۳۹۵	۰.۹۳۳	۴.۳۰۴	۲	آشنایی با تجارت جهانی
۰.۶۸۴	۰.۳۸۱	۴.۲۹۸	۳	توانایی تصمیم‌گیری
۰.۰۰۸	۴.۹۲۰	۴.۲۸۷	۴	دانش حسابداری مالی
۰.۰۲۳	۳.۸۶۹	۴.۲۸۷	۵	دانش تجزیه و تحلیل صورتهای مالی
۰.۵۹۹	۰.۵۱۴	۴.۲۶۳	۶	مهارت کارآفرینی
۰.۵۷۷	۰.۵۵۲	۴.۲۲۸	۷	اخلاق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی
۰.۲۱۹	۱.۵۳۴	۴.۲۲۲	۸	مهارت مشتری‌مداری
۰.۰۳۲	۳.۵۲۶	۴.۲۰۵	۹	آشنایی با سیستمهای اطلاعاتی
۰.۳۵۸	۱.۰۳۴	۴.۱۹۴	۱۰	آشنایی با فناوری اطلاعات
۰.۲۲۴	۱.۵۱۱	۴.۱۸۱	۱۱	دانش حسابرسی
۰.۷۵۹	۰.۲۷۶	۴.۱۷۰	۱۲	توانایی کار گروهی
۰.۷۸۰	۰.۲۴۹	۴.۱۷۰	۱۳	توانایی رهبری و مدیریت پروژه
۰.۲۰۹	۱.۵۸۲	۴.۱۶۴	۱۴	توانایی ایفای نقش
۰.۹۱۵	۰.۰۸۹	۴.۱۲۳	۱۵	توانایی بازاریابی
۰.۱۰۹	۲.۲۴۵	۴.۱۱۱	۱۶	توانایی ایجاد انگیزه در دیگران
۰.۹۴۱	۰.۰۶۱	۴.۱۰۵	۱۷	توانایی ایجاد تغییر و تحول در سازمان
۰.۵۰۷	۰.۶۸۱	۴.۰۹۹	۱۸	توانایی تجارت الکترونیکی
۰.۲۷۳	۱.۳۰۸	۴.۰۷۶	۱۹	توانایی مذاکره
۰.۶۲۴	۰.۴۷۳	۴.۰۷۰	۲۰	توانایی برقراری روابط بین فردی
۰.۰۷۴	۲.۶۴۷	۴.۰۶۴	۲۱	آشنایی با زبان خارجی
۰.۰۰۲	۶.۲۹۵	۴.۰۵۸	۲۲	توانایی تحلیل انتقادی
۰.۰۳۹	۳.۳۱۶	۴.۰۵۳	۲۳	دانش حسابداری مدیریت
۰.۰۰۴	۵.۸۰۶	۴.۰۲۹	۲۴	آشنایی با قوانین مالیاتی



ادامه جدول شماره ۲: آماره‌های آزمون فرضیه اول

۰.۲۱۱	۱.۵۷۲	۳.۹۸۸	۲۵	مهارت فروش
۰.۰۳۱	۳.۵۵۸	۳.۹۷۷	۲۶	آشنایی با قانون تجارت
۰.۰۲۶	۳.۷۳۰	۳.۹۵۳	۲۷	اطلاع از مقررات رفتار حرفه ای
۰.۰۳۷	۳.۳۵۳	۳.۹۳۰	۲۸	آشنایی با راهبردهای تجاری
۰.۰۴۷	۳.۱۱۷	۳.۹۲۹	۲۹	توانایی مدیریت منابع سازمان
۰.۵۸۲	۰.۵۴۴	۳.۸۴۲	۳۰	آشنایی با زنجیره تهیه و توزیع کالا
۰.۲۲۶	۱.۴۹۸	۳.۸۱۳	۳۱	ارتباطات شفاهی
۰.۵۶۳	۰.۵۷۷	۳.۷۵۴	۳۲	دانش بانکداری و بیمه
۰.۱۱۲	۲.۲۱۷	۳.۶۸۲	۳۳	ارتباطات نوشتاری
۰.۲۴۳	۱.۴۲۸	۳.۶۲۶	۳۴	آشنایی با اقتصاد خرد و کلان

### نتایج آزمون فرضیه دوم

برای آزمون فرضیه دوم تحقیق نیز از آنالیز واریانس یکطرفه استفاده شد. نتایج (جدول شماره ۳) نشان می‌دهد که بین دیدگاه‌های سه گروه در خصوص کفایت ارائه مهارت کار با رایانه، اخلاق و مسئولیت پذیری اجتماعی، آشنایی با فناوری اطلاعات، توانایی ایفای نقش، توانایی تجارت الکترونیکی، آشنایی با قوانین مالیاتی، مهارت فروش، توانایی مدیریت منابع سازمان و آشنایی با اقتصاد خرد و کلان توسط برنامه‌های کنونی آموزش حسابداری در سطح اطمینان ۹۵٪ و در خصوص کفایت ارائه آشنایی با تجارت جهانی، دانش حسابداری مالی، مهارت کارآفرینی، مهارت مشتری مداری، آشنایی با سیستم های اطلاعاتی و توانایی بازاریابی توسط برنامه‌های کنونی آموزش حسابداری در سطح اطمینان ۹۹٪ تفاوت معنی‌دار وجود دارد. در نتیجه فرضیه دوم در مورد ۱۵ دانش و مهارت تأیید شد و در مورد ۱۹ دانش و مهارت تأیید نشد.

با بررسی میانگین کفایت ارائه دانش و مهارت‌ها مشاهده شد که از دیدگاه پاسخ دهندگان بالاترین میانگین (۳/۰۸۸) به دانش حسابداری مالی مربوط است. شاغلان در حرفه و استادان دانشگاه با میانگین به ترتیب ۳/۰۸۵ و ۳/۷۰۶ ارائه دروس حسابداری مالی و دانشجویان حسابداری با میانگین ۳ ارائه درس حسابرسی را با کفایت دانسته‌اند. در مجموع می‌توان اظهار کرد که از دیدگاه پاسخ دهندگان، برنامه‌های کنونی آموزش حسابداری در ارائه دانش و مهارت‌های مورد نیاز به دانش‌آموختگان از کفایت لازم برخوردار نیست (بالاترین میانگین کفایت ارائه ۳/۰۸۸ است).

جدول شماره ۳: آماره‌های آزمون فرضیه دوم

P-value	F-value	اختلاف میانگین	مجموع کل		دانش و مهارت
			میانگین کفایت	میانگین اهمیت	
۰.۰۴۲	۳.۲۳۸	۲.۰۳۵	۲.۴۶۲	۴.۴۹۷	مهارت کار با رایانه
۰.۰۰۴	۵.۷۲۴	۲.۰۵۱	۲.۲۵۳	۴.۳۰۴	آشنایی با تجارت جهانی
۰.۸۴۱	۰.۱۷۳	۱.۶۵۵	۲.۶۴۳	۴.۲۹۸	توانایی تصمیم‌گیری
۰.۰۰۳	۶.۱۰۲	۱.۱۹۹	۳.۰۸۸	۴.۲۸۷	دانش حسابداری مالی
۰.۴۲۷	۰.۸۵۶	۱.۴۷۵	۲.۸۱۲	۴.۲۸۷	دانش تجزیه و تحلیل صورتهای مالی
۰.۰۰۲	۶.۷۱۱	۲.۰۴۱	۲.۲۲۲	۴.۲۶۳	مهارت کارآفرینی
۰.۰۴۶	۳.۱۳۸	۱.۷۷۲	۲.۴۵۶	۴.۲۲۸	اخلاق و مسئولیت‌پذیری اجتماعی
۰.۰۰۰	۱۱.۸۱	۱.۹۰۶	۲.۳۱۶	۴.۲۲۲	مهارت مشتری‌مداری
۰.۰۰۴	۵.۷۵۹	۱.۷۴۹	۲.۴۵۶	۴.۲۰۵	آشنایی با سیستم‌های اطلاعاتی
۰.۰۱۹	۴.۰۸۷	۱.۹۴۷	۲.۲۴۷	۴.۱۹۴	آشنایی با فناوری اطلاعات
۰.۰۶۷	۲.۷۴۲	۱.۲۵۲	۲.۹۲۹	۴.۱۸۱	دانش حسابرسی
۰.۴۰۰	۰.۹۲۱	۱.۶۷۸	۲.۴۹۱	۴.۱۷۰	توانایی کارگروهی
۰.۵۷۰	۰.۵۶۳	۱.۶۸۴	۲.۴۸۵	۴.۱۷۰	توانایی رهبری و مدیریت پروژه
۰.۰۳۹	۳.۳۲۰	۱.۶۳۲	۲.۵۳۲	۴.۱۶۴	توانایی ایفای نقش
۰.۰۰۰	۸.۴۳۳	۱.۸۴۸	۲.۲۷۵	۴.۱۲۳	توانایی بازاریابی
۰.۱۱۰	۲.۲۴۱	۱.۶۳۷	۲.۴۷۴	۴.۱۱۱	توانایی ایجاد انگیزه در دیگران
۰.۳۳۸	۱.۰۹۳	۱.۶۷۳	۲.۴۳۳	۴.۱۰۵	توانایی ایجاد تغییر و تحول در سازمان

ادامه جدول شماره ۳: آماره های آزمون فرضیه دوم

۰.۰۰۵	۵.۲۸۵	۲.۰۰۵	۲.۰۹۴	۴.۰۹۹	توانایی تجارت الکترونیکی
۰.۲۲۲	۱.۵۱۷	۱.۶۰۸	۲.۴۶۸	۴.۰۷۶	توانایی مذاکره
۰.۳۸۹	۰.۹۵۱	۱.۵۲۶	۲.۵۴۴	۴.۰۷۰	توانایی برقراری روابط بین فردی
۰.۱۶۷	۱.۸۱۰	۱.۶۹۰	۲.۳۷۴	۴.۰۶۴	آشنایی با زبان خارجی
۰.۴۶۰	۰.۷۸۱	۱.۵۹۶	۲.۴۶۲	۴.۰۵۸	توانایی تحلیل انتقادی
۰.۲۸۷	۱.۲۵۹	۱.۲۸۷	۲.۷۶۶	۴.۰۵۳	دانش حسابداری مدیریت
۰.۰۵۷	۲.۹۱۹	۱.۳۰۰	۲.۷۲۹	۴.۰۲۹	آشنایی با قوانین مالیاتی
۰.۰۱۰	۴.۶۹۷	۱.۷۰۸	۲.۲۸۱	۳.۹۸۸	مهارت فروش
۰.۳۴۶	۱.۰۶۹	۱.۲۹۴	۲.۶۸۲	۳.۹۷۷	آشنایی با قانون تجارت
۰.۰۸۸	۲.۴۷۱	۱.۳۸۶	۲.۵۶۷	۳.۹۵۳	اطلاع از مقررات رفتار حرفه ای
۰.۸۱۸	۰.۲۰۱	۱.۵۹۶	۲.۳۳۳	۳.۹۳۰	آشنایی با راهبردهای تجاری
۰.۰۴۶	۳.۱۲۶	۱.۵۱۸	۲.۴۱۲	۳.۹۲۹	توانایی مدیریت منابع سازمان
۰.۰۶۳	۲.۸۰۷	۱.۳۹۲	۲.۴۵۰	۳.۸۴۲	آشنایی با زنجیره تهیه و توزیع کالا
۰.۹۶۷	۰.۰۳۳	۱.۳۳۳	۲.۴۸۰	۳.۸۱۳	ارتباطات شفاهی
۰.۵۰۷	۰.۶۸۲	۱.۴۳۳	۲.۳۲۲	۳.۷۵۴	دانش بانکداری و بیمه
۰.۵۲۰	۰.۶۵۶	۱.۱۸۵	۲.۴۹۷	۳.۶۸۲	ارتباطات نوشتاری
۰.۰۱۸	۴.۱۱۳	۰.۷۳۱	۲.۸۹۵	۳.۶۲۶	آشنایی با اقتصاد خرد و کلان

### نتایج آزمون فرضیه سوم

برای آزمون این فرضیه از روش تحلیل عاملی استفاده شد. بر اساس روش درصد ویژه، که یکی از معیارهای پرکاربرد برای تعیین تعداد عاملهای قابل استخراج در تحلیل عاملی است، تعداد هشت عامل استخراج شد که در مجموع ۵۹.۲۴ درصد از واریانس داده‌ها را تبیین می‌کند. این عاملها شامل مهارتهای تجاری/ مدیریتی، مهارتهای پایه‌ای، دانش تجاری / مدیریتی، دانش اقتصادی، ویژگیهای شخصیتی، دانش اساسی حسابداری، مهارتهای ارتباطی و مهارتهای مدیریتی است.

نتایج (جدول شماره ۴) تحلیل عاملی نشان می‌دهد که عامل اول یعنی مهارتهای تجاری/ مدیریتی دارای بیشترین مقدار ویژه است و بیشترین درصد واریانس داده‌ها را

تبیین

می‌کند. در نتیجه از دیدگاه استادان دانشگاه، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری در محیط تجاری کنونی ایران، اولویت برتر برنامه آموزش حسابداری، آموزش مهارت‌های تجاری / مدیریتی شامل توانایی بازاریابی، آشنایی با راهبردهای تجاری، آشنایی با تجارت جهانی، مهارت فروش، آشنایی با زنجیره تهیه و توزیع کالا و مهارت مشتری مداری است که به منزله تأیید فرضیه سوم تحقیق است.

جدول شماره ۴: خلاصه عامل‌های تحقیق و سهم هر یک از آنها

عامل	شرح عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس
۱	مهارت‌های تجاری / مدیریتی	۹.۹۶۴	۲۹.۳۰۵	۲۹.۳۰۵
۲	مهارت‌های پایه‌ای	۲.۳۵۲	۶.۹۱۹	۳۶.۲۲۴
۳	دانش تجاری / مدیریتی	۱.۷۵۱	۵.۱۴۹	۴۱.۳۷۳
۴	دانش اقتصادی	۱.۴۵۱	۴.۲۶۷	۴۵.۶۴
۵	ویژگی‌های شخصیتی	۱.۲۹۲	۳.۸۰۰	۴۹.۴۴
۶	دانش اساسی حسابداری	۱.۲۰۴	۳.۵۴۲	۵۲.۹۸۲
۷	مهارت‌های ارتباطی	۱.۰۸۴	۳.۱۸۷	۵۶.۱۶۹
۸	مهارت‌های مدیریتی	۱.۰۴۵	۳.۰۷۲	۵۹.۲۴۱
	جمع کل	-	۵۹.۲۴۱	۵۹.۲۴۱

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این تحقیق به بررسی دیدگاه‌های استادان دانشگاه، شاغلان در حرفه و دانشجویان حسابداری در مورد اهمیت دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای دانش‌آموختگان رشته حسابداری و کفایت ارائه آنها توسط برنامه کنونی آموزش حسابداری پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که بین دیدگاه‌های سه گروه در خصوص اهمیت برخی از حوزه‌های دانش و مهارت مطرح شده و نیز کفایت ارائه آنها با برنامه کنونی آموزش حسابداری، تفاوت‌های معنی‌دار وجود دارد. از نظر شاغلان در حرفه، روش‌های جدید آموزش حسابداری و از نظر استادان دانشگاه، دانش اساسی حسابداری برای دانش‌آموختگان رشته حسابداری در

مقایسه با دیگر دانش و مهارتها دارای اهمیت بیشتری است. این نتایج با نتایج تحقیق لین (۲۰۰۸) همخوانی دارد.

پاسخ دهندگان معتقدند که دانش اساسی حسابداری در مقایسه با دیگر دانش و مهارتها با کفایت بیشتری به دانشجویان ارائه شده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که دانش و مهارتهایی که از نظر استادان دانشگاه اهمیت بیشتری دارد، با کفایت بیشتری نیز مطرح شده است.

در مجموع به رغم تفاوت در میانگین کفایت ارائه دانش و مهارتها با برنامه های کنونی آموزش حسابداری می توان اظهار کرد که از دیدگاه پاسخ دهندگان برنامه های کنونی آموزش حسابداری در ارائه دانش و مهارتهای مورد نیاز به دانش آموختگان، کفایت لازم را ندارد. هم چنین شکاف بین سطح اهمیت دانش و مهارتها و سطح کفایت ارائه آن با برنامه های کنونی آموزش حسابداری، معنی دار است؛ به عبارت دیگر، ارائه دانش و مهارتها با برنامه های کنونی آموزش حسابداری در مقایسه با اهمیت آن برای دانش آموختگان رشته حسابداری از کفایت لازم برخوردار نیست.

بنابراین بازنگری برنامه آموزشی حسابداری کنونی بر مبنای نتایج این تحقیق و سایر تحقیقات انجام شده توصیه می گردد. لین (۲۰۰۸) هم در پژوهش خود به نتایج مشابهی دست یافت و اظهار کرد که بازنگری برنامه آموزش حسابداری در چین نه تنها ضروری، بلکه الزام آور است.

### محدودیت های تحقیق

برخی از محدودیت های پژوهش به شرح زیر است:

(۱) محققان کنترلی بر تصمیم گیری های پاسخ دهندگان در ارائه یا عدم ارائه پاسخ نداشتند.

(۲) قلمرو مکانی تحقیق به سطح استان آذربایجان غربی محدود بود.

جامعه آماری استادان دانشگاه بسیار محدود بود که می تواند تعمیم پذیری نتایج را خدشه دار کرده باشد.

### یادداشتها

- |                                |                      |
|--------------------------------|----------------------|
| 1- Sundem                      | 2- Williams          |
| 3- Albrecht and Sack           | 4- Chabrow and Hayes |
| 5- Forristal                   | 6- Boyce             |
| 7- Jacobs                      | 8- Lin               |
| 9- Ragothaman, Lavin and Davis | 10- Blazey           |
| 11- Paisey                     | 12- Factor Analysis  |

### منابع

- مجتهدزاده، ویدا، «برنامه آموزش حسابداری در دانشگاه‌های ایران (مقطع کارشناسی)»، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، سال یازدهم، شماره‌های ۳۷ و ۳۸ (بهار و تابستان).
- نوروش، ایرج، ۱۳۸۲، «بررسی فرآیند تغییر برنامه درسی و پیشنهاد یک برنامه درسی نوسازی شده برای دوره کارشناسی رشته حسابداری»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال دهم، شماره ۳۲، ص ۲۱ تا ۴۲.
- Albrecht, W., and R. Sack, ( 2000), *Accounting Education: Charting the Course through a Perilous Future*, Accounting Education Series #16, Sarasota, FL: American Accounting Association.
- Blazey, P., Ashiabor H. and J. Penelope, ( 2008), " Stakeholder Expectations for Generic Skills in Accounting Graduates ,Curriculum Mapping and Implications for Change". Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=1123784>.
- Boyce, G.(1999)" Computer-assisted Teaching and Learning in Accounting: Pedagogy or Product?". *Journal of Accounting Education*, Vol. 17 (1-2), PP: 191-199.
- Burnett, S. (2003), "The Future of Accounting Education: A Regional Perspective". *Journal of Education of Business*, Vol. 78 (3), PP: 129-136.
- Chabrow, E., and M. Hayes, ( 2001), "Changes in Accounting Education". *InformationWeek*, [http://www.Informationweek.com/story/IWK\\_20010614s0024](http://www.Informationweek.com/story/IWK_20010614s0024) (accessed 3.4.2002).
- Forristal, T. (2002)," CAP Forum: The Future of Accounting Education: The Response of Chartered Accountants", *Canadian Accounting Perspectives*, Vol. 1(1), PP: 80-88.
- Jacobs, L. (2005), "The Impact of Changing Practitioner Requirements on Management Accounting Education at South African Universities", Doctoral Dissertation. University of Pretoria..
- Lin, Z. L.( 2008), "A Factor Analysis on Knowledge and Skill Components of Accounting Education: Chinese Case". *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, Vol. 24 , PP:110-118.

- Lin, Z. L., X. Xiong, and M. Liu,( 2005)."Knowledge Base and Skill Development in Accounting Education: Evidence from China". *Journal of Accounting Education*, Vol. 23, PP: 149-169.
- Paisey, C.( 2009)." Developing Skills via Work Placements in Accounting: Student and Employer Views", Accounting Forum, In Press, Corrected Proof, Available online 11 July 2009.
- Ragothaman, S., A. Lavin, and T. Davies, (2007)," Perceptions of Accounting Practitioners and Educators on E-business Curriculum and Web Security Issues". *College Student Journal*. Vol. 41, Iss. 1, PP: 59-69 .
- Sundem, G. L.,(1992).*Changes in Accounting Education in the United States: The Impact of the Accounting Education Change Commission*. In a. Anyanentow (Ed.), International handbook of accounting education and certification. New York: Pergamon Press.
- Williams, D. Z. (1994). "Strategies for Change in Accounting Education: The US Experience". In J. O. Burns & B. E. Needles (Eds.), *Accounting education for the 21st century* ,vol.12, PP: 207–211.